

بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی

(مورد مطالعه: جوانان شهر خلخال)

سید غنی نظری^۱، حسین بشیری گیوی^۲، سعید جنتی^۳

چکیده

هدف توسعه سیاسی گسترش مشارکت و رقابت گروههای اجتماعی در زندگی سیاسی می باشد. مهمترین لوازم بلافاصل توسعه سیاسی شامل: سازمان یابی گروهها و نیروهای اجتماعی، آزادی آنها در مشارکت و رقابت سیاسی، وجود مکانیسمهای حل منازعه نهادمند در درون ساختار سیاسی، خشونت زدایی از زندگی سیاسی در جهت تقویت ثبات سیاسی، مشروعیت چارچوبهای نهادی و قانونی برای رقابت و سازش سیاسی و جزء آن، می باشد.

مشارکت سیاسی جوانان که بزرگترین گروه جمعیتی در کشورهای در حال توسعه و مسئولان اداره جامعه در آینده محسوب می شوند، اهمیت خاصی برای توسعه سیاسی و پویایی جامعه دارد. بی شک جوانان یکی از اقشار اجتماعی هستند که به اقتضای عوامل مختلفی چون استقلال خواهی، نوجویی و آرمانگرایی در فعالیت های سیاسی، انگیزه بالایی در مشارکت سیاسی دارند. بر این اساس هدف این مطالعه شناخت تأثیر مشارکت سیاسی جوانان بر توسعه سیاسی است.

از نظر روش از نوع تحقیقات توصیفی می باشد که بصورت پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری کلیه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان خلخال که براساس آخرین آمار تعدادشان ۲۶۳۶ نفر برآورده شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۰ نفر بدست آمد و با روش نمونه گیری خوشه ای طبقه ای با حجم نامتناسب، نمونه های آماری انتخاب شد.

یافته ها نشان داد بین متغیرهای اعتماد به رسانه های جمعی، اعتماد به افراد مذهبی، اعتماد به سیاسیون، اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی با توسعه سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد. به عبارتی نتایج حاصل از این یافته ها نشان دهنده تأثیر عواملی چون اعتماد به رسانه های گروهی، اعتماد به سیاسیون و اعتماد سیاسی و افراد مذهبی، مشارکت سیاسی بر میزان توسعه سیاسی است. این عوامل از جمله شاخص های مهم توسعه هستند، مبحث توسعه و روند حرکت به سمت ارتقای کمی و کیفی شاخصه های پیشرفت و توسعه از جمله عوامل بسیار مهمی است که تمام تلاش تصمیم گیرندگان و سرمداران کشورها بخصوص جهان سوم را به خود مشغول داشته است.

کلیدواژه ها: مشارکت، مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۲۵

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور واحد اردبیل gnazari33@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران. (نویسنده مسئول) guivi.hb@gmail.com

^۳ کارشناس ارشد مدیریت mic_hadi@yahoo.com

مقدمه

"توسعه سیاسی" واژه‌های جامعه‌شناختی است که از سوی مکاتب غربی به عنوان راهکاری برای کشورهای توسعه نیافته و جهان سوم ارائه گردیده است. "توسعه" به معنای بهبود و گسترش هم شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی و یا فرایند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه می‌باشد. توسعه سیاسی در اصطلاح به معنای افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است. توسعه سیاسی دارای مفهوم ثابتی نیست: عده‌های توسعه را تنها یک تحول مربوط به دنیای غرب میدانند که از آن جا ریشه گرفته است. بنابراین آن را الگوی مناسبی برای رهایی همه جوامع از فقر و مشکلات نمیدانند. عده‌ای دیگر توسعه را شرط بقای جامعه و حفظ استقلال آن میدانند. عده‌ای نیز اولویت را به ارزشها و ایدئولوژی و عدالت اجتماعی داده و به دنبال آن توسعه را مطرح میکنند و آن را برای خدمت به استقلال جامعه ضروری میدانند.

توسعه سیاسی یکی از شاخه‌های توسعه است با هدف رسیدن به پیشرفت، صنعتی شدن، رفع فقر، رفع وابستگی، ایجاد تحولات ساختاری و اصطلاحات در تمام بخشهای جامعه و گذار از حالت نامطلوب زندگی گذشته به شرایط بهتر.

توسعه سیاسی با برخی مفاهیم دیگر در ارتباط است از جمله مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، تبلیغات سیاسی، ارتباطات سیاسی و از همه مهمتر نوسازی. با این که نوسازی و توسعه گاهی مترادف به کار می‌روند، اما برخی از محققان، توسعه سیاسی را خیلی عالم تر از نوسازی سیاسی تلقی میکنند و معتقدند نوسازی سیاسی در بطن توسعه سیاسی است. نوسازی سیاسی را میتوان فرایندی تلقی کرد که طی آن، نقشهای کارکردی استراتژیک جامعه به سازندگی و تولید مبادرت می‌ورزند.

برخی نیز نوسازی را به ساختارهای سیاسی متنوع و تخصصی شده و نیز توزیع اقتدار سیاسی در میان کلیه بخشها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازند. برخی نیز محافظه کارانه به این دو مفهوم می‌نگرند و بر ارزشهایی چون ثبات و تعادل و هماهنگی در جامعه تاکید می‌کنند.

ژان ژاک روسو در سال ۱۷۸۶ گفت "انسان آزاد متولد می‌شود، اما همه جا در بند است". از زمان زندگی روسو تاکنون، دموکراسی در بسیاری از نقاط جهان پدیدار شده و گسترش پیدا کرده است. هر چند که بر اساس گزارش موسسه خانه آزادی همچنان حدود ۶۰ درصد از جمعیت جهان در جوامعی زندگی می‌کنند که "به نسبت آزاد" یا "غیر آزاد" خوانده می‌شوند. (اونیل، ۱۳۸۶: ۱۵۱)

مشارکت سیاسی یکی از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است. و یکی از اساسی‌ترین صورت‌های روابط اجتماعی بوده و به عنوان یکی از محورهای موضوعی در جامعه‌شناسی تلقی شده است. دایره‌المعارف‌های بین‌المللی علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست‌گذاری عمومی تعریف کرده‌اند (مصفا، ۱۳۷۵: ۱۹).

رأی‌دهی و مشارکت در انتخابات آشکارترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم‌سالار است. رأی‌دادن موثرترین و عملی‌ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال کنند. اساسی‌ترین عملکرد مشارکت رأی‌دهی فرصت دادن برای جانشینی و انتقال مناسب و مسئولیت‌ها در جامعه است بنابراین مشارکت سیاسی به فعالیت‌های داوطلبانه و آزادانه اعضای یک جامعه (چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی) در امور حکومتی و سیاسی که با هدف تاثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌های سیاسی کشور صورت می‌گیرند اطلاق میشوند. این فعالیتها ممکن است حمایت از سیاست‌های موجود مقامات دولتی و یا ساختار نظام باشد و یا ممکن است به دنبال تغییر وضع موجود در نظر گرفته شود. مشارکت سیاسی جوانان که بزرگترین گروه جمعیتی در کشورهای در حال توسعه و مسئولان اداره جامعه در آینده محسوب می‌شوند. اهمیت خاصی برای ثبات سیاسی و پویایی جامعه دارد. بی‌شک جوانان یکی از اقشار اجتماعی هستند که به اقتضای عوامل

مختلفی چون استقلال خواهی، نوجویی و آرمانگرایی در فعالیت های سیاسی، انگیزه بالایی در مشارکت سیاسی دارند. از این رو دست یافتن به چگونگی نگرش سیاسی جوانان و توجه هرچه بیشتر به عوامل اجتماعی که به مشارکت سیاسی این قشر کمک می کند امری ضروری است. از جمله دلایل مطالعه مشارکت انتخاباتی بررسی علل و عوامل موثر بر حضور شهروندان در پای صندوق های رای و راههای افزایش این حضور است.

مشارکت سیاسی جایگاه بلندی را در جامعه شناسی سیاسی به خود اختصاص داده است و جنبه های مختلف آن مورد بحث و بررسی های پژوهشگران قرار گرفته است. مشارکت سیاسی با مهمترین مباحث مربوط به علم سیاست؛ نظیر احزاب، گروههای فشار، روابط مردم و حکومت، جامعه مدنی و نظایر آن پیوند عمیق و نگسستی دارد. با وجود متون غنی در این زمینه موضوع مشارکت و علل انگیزش های آن همچنان در هاله ای از ابهام است (ایوبی، ۱۳۷۷: ۱۸۵). مفهوم دموکراسی حداکثری در بررسی میزان تحکیم و تعمیق و نهادمند شدن دموکراسی مورد تاکید قرار می گیرد (بشیری، ۱۳۸۷: ۴۳).

در هر جامعه ای، ایدئولوژی و نگرش سیاسی گروه حاکم و یا به سخن دیگر گفتمان مسلط، قطع نظر از اینکه از چه سرچشمه هایی پدید آمده باشد نقش بسیار تعیین کننده ای در توسعه سیاسی دارد (بشیری، ۱۳۸۶: ۶۶۱).

تجربه اندک ایران در فعالیتهای حزبی بعد از انقلاب مشروطیت، ضعف نسبی گروههای برگزیده سیاسی و وجود عوامل نیرومندی که سیر تاریخ سیاسی ایران را به سوی ساخت قدرت مطلقه سوق میداد راه توسعه ایران را تغییر دادند. تحکیم ساخت قدرت مطلقه مانع تکوین احزاب به عنوان مجاری مشارکت و رقابت سیاسی گردید. ساخت قدرت مطلقه نه تنها مبتنی بر روابط قدرت شخصی است بلکه موجب نهاد زدایی از سیاست و گسترش روابط شخصی و غیر رسمی شدن فرایند های سیاسی نیز می گردد. سیاست حکومت بیشتر معطوف به جذب و حل نیروهای سیاسی بود و نه پذیرش و پرورش آنها. تمامی این موارد باعث شده که موانع زیادی در مقابل توسعه سیاسی قرار بگیرد. انباشت قدرت سیاسی در ایران و تمرکز منابع اجبار در دست حکومت زمینه مناسبی برای اعاده سیاست غیر رسمی مبتنی بر «دوره ها» و گروههای پنهان و غیر پنهان به وجود آورد. به گفته شاه اصلاحات ارضی، آزادی زنان، و سهمی شدن کارگران در سود کارخانه ها تنها مقدمه بودند هدف ما برقراری حکومت مردم به وسیله مردم و دستیابی به دموکراسی قانونی واقعی بود (بشیری، ۱۳۸۷: ۲۴).

با توجه به مطالب بالا می توان گفت یکی از گروههای عمده جامعه که شرکت آن در روند اداره جامعه و توسعه سیاسی اجتماعی و فرهنگی ضروری به نظر می رسد جوانان هستند. در هر روی در این مقاله بر آنیم تاثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی در شهر خلخال را بسنجیم.

اهداف پژوهش

هدف کلی: بررسی تاثیر مشارکت سیاسی جوانان بر توسعه سیاسی

اهداف ویژه:

شناخت رابطه بین اعتماد به افراد مذهبی جوانان با توسعه سیاسی.

شناخت رابطه بین اعتماد به رسانه های جمعی جوانان با توسعه سیاسی

شناخت رابطه بین اعتماد به سیاسیون جوانان با توسعه سیاسی

شناخت رابطه بین اعتماد سیاسی جوانان با توسعه سیاسی

شناخت رابطه بین مشارکت سیاسی جوانان با توسعه سیاسی

مبانی نظری پژوهش

ساموئل هانتینگتون: وی نوسازی را بر اساس میزان صنعتی شدن، تحرک و تجهیز اجتماعی، مشارکت سیاسی و رشد اقتصادی مورد ارزیابی قرار میدهد و معتقد است، از آنجایی که در فرایند نوسازی و توسعه سیاسی، تقاضای جدیدی به صورت مشارکت و

ایفای نقشهای جدیدتر ظهور میکنند، بنابراین نظام سیاسی باید از ظرفیت و تواناییهای لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد. در غیر این صورت سیستم با بی ثباتی، هرج و مرج، اقتدار گرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد و امکان دارد پاسخ جامعه به این نابسامانیها به شکل انقلاب تجلی نماید. از نظر وی هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال از انعطاف ناپذیری به انعطاف پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد.

آیزن استات: وی توسعه سیاسی را به ساختار سیاسی تنوع یافته و تخصصی شده و توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخشها و حوزههای جامعه مرتبط میسازد (مهدی خانی، ۱۳۸۰: ۱۸۳).

کارل دویچ: میزان «تحرك اجتماعی» را معیار عمده توسعه سیاسی در نظر میگیرد. از نظر وی تحرك اجتماعی فرایندی است که به موجب آن اعتقادات و وابستگیهای سنتی در زمینه های سیاسی، روانی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دچار دگرگونی میشود و توده مردم را به قبول الگوهای رفتاری جدید آماده میکند.

گابریل آلموند و پاول: از لحاظ رفتاری، مصلحت گرایی، ارجح بودن فعالیتهای دسته جمعی بر فرد گرایی، میزان همبستگی و میثاق با نظام سیاسی، روابط سیاسی بر مبنای اعتماد متقابل را به عنوان معیار توسعه سیاسی تلقی کرده و از نظر ساختاری بر تنوع ساختاری، فرهنگ دنیوی و سطح بالای استقلال نظامهای فرعی تأکید میکنند.

لوسین پای: افزایش ظرفیت نظام را در پاسخگویی به نیازها و خواستههای مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و نیز افزایش مشارکت سیاسی را لازمه توسعه سیاسی می پندارد. (قوام، ۱۳۸۷: ۸۷)

ماکس وبر: روند عقلانی شدن جهان عامترین مفهوم در اندیشه وبر است به نظر او جهان همواره در فرایند عقلانی شدن به پیش می رود. مفهوم عقلانیت در دیدگاه وبر به معنای گسترش عقلانیت نهادی یا ابزاری در حوزه زندگی خارجی یا اجتماعی است (بشیریه، ۱۳۸۳: ۵۷) وبر چهار نوع آرمانی تبیین های کنش و رفتار اجتماعی و بنابراین سیاسی را مطرح کرد. دو نوع از آنها عقلانی هستند: «کنش عقلانی در رابطه با هدف» و «کنش عقلانی در رابطه با ارزش» و دو نوع غیر عقلانی اما نه نامعقول «کنش عاطفی» و «کنش سنتی» (وبر ۱۹۴۷: ۱۱۵).

رفتار عقلانی در رابطه با هدف، رفتاری است که در آن فرد کنشی احتمالی را برحسب هزینه ها و منافع و هدفها ارزیابی می کند. در صورتی که رفتار عقلانی در رابطه با ارزش، هدفها را مورد سوال قرار نمی دهد، بلکه هزینه ها و منافع وسایل معینی را ارزیابی می کند. رفتار اقتصادی عقلانی به حداکثر رساندن منافع و به حداقل رساندن هزینه ها برای دستیابی به یک هدف مورد نظر نمونه ای از کنش عقلانی در رابطه باهدف است. پذیرفتن یک آرمان مذهبی به منزله یک هدف وجستجوی موثرترین وسایل دستیابی به آن، البته مشروط به هر محدودیتی که بوسیله این آرمان تحمیل می شود، نمونه ای از کنش عقلانی با ارزش است. کنش عاطفی تحت سلطه رسم و عادت است.

دانیل لرنر: لرنر در اثر کلاسیک خود *زوال جامعه سنتی* (۱۹۵۶) به تنظیم نظریه علمی درباره توسعه سیاسی پرداخت بر طبق استدلال او پیدایش جامعه مبتنی بر مشارکت سیاسی متضمن وقوع توسعه شهرنشینی، توسعه آموزش عمومی و توسعه وسایل ارتباطی است (بشیریه، ۱۷: ۱۳۸۸). لرنر در مطالعات خود را در شش کشور خاورمیانه (ترکیه، لبنان، ایران، اردن، مصر و سوریه) متمرکز ساخته که حاصل آن کتابی با عنوان گذر از جامعه سنتی بوده است. وی با رویکرد روان شاختی به مطالعه ی نوسازی در خاورمیانه پرداخته است. اندیشه چهارچوب نظریه اشاعه فرهنگی است؛ به این معنی که با بسط و نشر عناصر فرهنگی جدید و ایفای نقش موثر در این رابطه فراهم می شود. به نظر لرنر مهمترین عناصر و متغیرهای نوسازی کننده عبارت است از رسانه های گروهی، تعلیم و تربیت شهرنشینی، نفوذ و گسترش این عناصر به درون جامعه سنتی دگرگونی در نگرشها و باورهای مردم رادربی دارد. یکی از شاخص

های این نگرشهای جدید وجود همدلی و بروز شخصیت انتقالی در افراد است؛ به این معنی که شخص این توانایی را در خود میبند که خود را بجای دیگری بگذارد (دانیل لرنر؛ ۲۱۴:۱۲۸۹).

لیپست: رویکرد اجتماعی یا تبیین جامعه شناختی از رویکردهای عمده در تبیین مشارکت سیاسی به شمار میرود. از مهمترین نظریه پردازان این رویکرد میتوان به لیپست اشاره کرد، او در آثار مختلفی به بررسی عوامل تاثیرگذار بر مشارکت پرداخته است. لیپست معتقد است الگوهای شرکت در انتخابات در کشورهای نظیر آلمان، سودان، آمریکا، نروژ، فنلاند و برخی از کشورهای دیگر مشابه هستند. در این کشورها مردان بیشتر از زنان، تحصیل کردگان بیشتر از بیسوادان در فرایندهای اجتماعی - سیاسی شرکت دارند. متغیر مورد نظر لیپست در تبیین مشارکت سیاسی را می توان به موقعیت اقتصادی خانواده که متغیرهایی چون سطح درآمد، شغل، محل سکونت را در برمی گیرد اشاره دارد. این متغیرها از نظر لیپست به عنوان متغیرهای پایه ای عمل میکنند که بطور غیرمستقیم از طریق برخی از متغیرهای دیگر نظیر ایدئولوژی سیاسی، عضویت حزبی و... رفتار سیاسی افراد را تحت تاثیر قرار میدهد (فاطمی، ۱۳۸۰: ۲۰۶).

پوی (۱۹۷۷): پری تبیین های مشارکت سیاسی را به دو دسته نظریه های ابزاری و نظریه های تکاملی تقسیم می کند. نظریه های ابزاری، مشارکت را وسیله ای برای یک هدف یعنی برای دفاع یا پیشبرد یک فرد یا گروهی از افراد و سدی در برابر جباریت و استبداد در نظر میگیرند. بنابراین نظری پردازان ابزاری استدلال می کنند افراد بهترین داور منافع خودشان هستند، حکومتی که مردم در آن مشارکت داشته باشند کارآمدتر است. افرادی که از تصمیمات تاثیر می پذیرند حق دارند در گرفتن تصمیمات شرکت داشته باشند و مشروعیت و حکومت بر مشارکت استوار است. بنابراین وارثان نهایی نظریه ابزاری فایده گرایان، کثرت گرایان هستند (راش، ۱۳۷۷؛ ۱۳۹؛ ۱۴۰).

وابرت پاتنام: از نظر پاتنام اعتماد یکی از اجزای اصلی سرمایه اجتماعی است. اعتماد همکاری را تسهیل می کند و هر چه سطح اعتماد در جامعه ای بیشتر باشد، احتمال همکاری بیشتری است. بعلاوه خود همکاری نیز موجد اعتماد است. اعتماد مستلزم پیش بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. افراد با شناخت و پیش بینی ای که از خلق و خو، انتخاب های ممکن و توانایی طرف مقابل دارند، به دیگری اعتماد می کنند، در جوامع کوچک، این پیش بینی بر اساس اعتماد صمیمانه انجام می شود که به آشنایی نزدیک با فرد بستگی دارد، اما در جوامع بزرگ و پیچیده، اعتماد غیر شخصی تر و غیر مستقیم ضرورت دارد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲-۲۹۱).

اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن پیچیده، از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله ای متقابل و شبکه های مشارکت مدنی ناشی می شود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۳). پاتنام با ارجاع به کلمن تأکید می کند که به علت تاثیر تبعات مثبت یا منفی یک کنش برای دیگران، هنجارهای اجتماعی، حق کنترل یک عمل را از یک عمل را از یک بازیگر به دیگران انتقال می دهند. این هنجارها از طریق سرمشق شدن و اجتماعی شدن از جمله آموزش مدنی و نیز از طریق مجازات ها در افراد جامعه، تلقین و تثبیت می شوند. هنجارهای موجد اعتماد به این دلیل توسعه می یابند که هزینه معاملات را پایین می آورند و همکاری را تسهیل می کنند. مهمترین هنجارهای تقویت کننده اعتماد، معامله متقابل است که بر دو نوع می باشد. معامله متقابل متوازن که اشاره به مبادله همزمان چیزهای با ارزش برابر دارد مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیل خود را با هم عوض می کنند. معامله متقابل عمومی را به رابطه ای تبادلی مداومی اشاره دارد که در همه حال یک طرفه و نامتوازن است اما انتظارات متقابلی ایجاد می کند مبنی بر این سودی که اکنون اعطاء شده، باید در آینده پرداخت گردد. مانند رابطه ای دوستی. هنجارهای معامله ای متقابل عمومی یکی از مولدترین اجزای سرمایه ای اجتماعی است و هسته مرکزی انجمن های خودیاری ایتالیا بود که مشکل امنیت را برای شهروندان حل نموده بودند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۴-۲۹۳).

به نظر پاتنام یک هنجار مؤثر مبتنی بر معامله متقابل عمومی، احتمالاً با شبکه های انبوهی از مبادلات اجتماعی مرتبط است. در جوامعی که مردم مطمئن هستند که اعتماد مورد سوء استفاده قرار نمی گیرد بیشتر به مبادله و معامله می پردازند و این مبادلات خود

به توسعه هنجار متقابل عمومی منتهی می‌شود. کنش‌های متقابل شخصی، اطلاعاتی در مورد قابل اعتماد بودن دیگران فراهم می‌کند که نسبتاً بی‌هزینه است. روابط اجتماعی مداوم، می‌تواند انگیزه‌هایی برای قابل اعتماد بودن ایجاد کند و این همان قاعده همگانی تئوری بازی است (همان: ۲۹۵). هنجارهای متقابل عمومی و شبکه‌های مشارکت مدنی انگیزه‌های عهدشکنی و جو غیرشفاف را کاهش می‌دهند و الگوهایی برای همکاری آینده ارائه می‌دهند و از این طریق موجب افزایش اعتماد و همکاری می‌شوند. اعتماد به همان اندازه که یک نگرش شخصی است یک دارایی ضروری نظام اجتماعی نیز محسوب می‌شود. افراد قادرند به دیگران اعتماد کنند (نه صرفاً خوش‌باوری) و این به دلیل هنجارها و شبکه‌های اجتماعی است که در چارچوب آن عمل می‌کنند منابع سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها، شبکه‌ها، خودتقویت‌کننده و خودفزاینده و موجب نوعی تعادل هستند. عکس این نیز در مورد بی‌اعتمادی صادق است (همان: ۳۰۳). پاتنام بحث بر سر علت و معلول را بی‌ثمر می‌داند و معتقد است که اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی و همکاری موفقیت‌آمیز متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند و به خاطر مسایل علی‌خطی نباید تحلیل تعادل را نادیده گرفت (همان: ۳۰۹). پاتنام با الهام از دوتوکویل، بر سنت‌های قدرتمند مشارکت مدنی (شرکت در انتخابات، تعداد خوانندگان روزنامه‌ها، عضویت در گروه‌های مذهبی، ادبی، باشگاه‌های فوتبال و غیره) تأکید می‌کند و آن را کلید حل مشکلات جمعی می‌داند. شهروندان جامعه مدنی موفق، اطمینان دارند که دیگران نیز عادلانه عمل می‌کنند و از قوانین پیروی می‌نمایند (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۴۴). پاتنام در ارایه راه‌حل، طرفدار استراتژی از پایین به بالا است و معتقد است به جای تلاش جهت تغییر خط مشی حکومت ملی، باید کار را با عامه‌ی مردم آغاز کرد. وی در مورد سازوکار رابطه‌ی بین سرمایه اجتماعی و مساوات اجتماعی، تقدم علی‌قایل نیست و دو تفسیر متفاوت را می‌پذیرد هر چه نابرابری ثروت بیشتر باشد، برقراری ارتباط، مشارکت و اعتمادپذیری متقابل دشوارتر است. از طرفی مردمی که با هم ارتباط نزدیک دارند و دارای حس مشارکت متقابل اند اجازه نمی‌دهند سیاست‌هایی شکل بگیرد که شکاف بین فقرا و ثروتمندان را گسترده سازد (پاتنام، ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۲۵).

فوکویاما؛ فوکویاما اعتماد را به عنوان انتظاری که در یک جامعه از رفتار مقرراتی، مسئولانه و همیارانه‌ی بخشی از اعضای دیگر جامعه که بر هنجارهای مشترک عام مبتنی است، تعریف می‌کند. طبق این تعریف، اعتماد یک پیامد عملکرد هنجارست که به تنهایی سرمایه اجتماعی را بر اساس تعریف فوکویاما تشکیل می‌دهد (نصیری، ۱۳۸۷: ۲۱).

فوکویاما بر یک ویژگی فرهنگی، یعنی جذب در جامعه یا اعتماد اجتماعی، انگشت می‌گذارد. او می‌گوید «رفاه یک کشور هم مانند توانایی رقابت آن مشروط به یک ویژگی فرهنگی فراگیر است: میزان اعتمادی که جامعه را در بر گرفته است». افزون بر این، او توجه خود را به مسأله‌ای ساختاری معطوف می‌سازد: حضور یا غیاب شرکت‌های چندملیتی بزرگ و گوناگون در جامعه که فوکویاما آن را نشانه اعتماد اجتماعی فعال و پیش‌شرط توفیق در اقتصاد جهانی می‌داند. فوکویاما جوامع «اقتصادگرا» را جوامعی می‌داند که در آن‌ها اغلب دو عامل یگانه جذب، در جامعه، خانواده و شکل‌های گسترده خویشاوندی، مانند قبیله یا طایفه است. این دسته از جوامع که چین، فرانسه و ایتالیا جزو آن هستند جوامع «کم‌اعتمادند». زیرا راه جذب شدن در آن‌ها به خانواده یا طایفه محدود است برعکس جامعه‌های برخوردار از اعتماد اجتماعی همگانی و گسترده «و در نتیجه گرایش نیرومند خود به خودی در جامعه» مانند ایالات متحده، ژاپن، آلمان، سازمان‌های بزرگ و پیچیده‌ای پدید می‌آورند که دسترسی به جهان دارند. یعنی شرکت‌های چندملیتی. به طور کلی می‌توان گفت که در وهله نخست: فرهنگ میزان اعتماد اجتماعی را تعیین می‌کند که در وهله دوم بر چگونگی نهادهای سهامی تأثیر می‌گذارد و در وهله سوم این نهادها میزان پیشرفت اقتصادی کشور را تعیین می‌کنند (فوکویاما، ۱۳۸۶: ۱۵).

فرضیه‌های پژوهش

بین میزان اعتماد به رسانه‌های جمعی جوانان و توسعه سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد.

بین اعتماد به افراد مذهبی جوانان و توسعه سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد.

بین اعتماد به سیاسیون جوانان و توسعه سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد.
 بین اعتماد سیاسی (اعتماد به مسولین) جوانان و توسعه سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق که به بررسی تاثیر مشارکت سیاسی جوانان (۲۹ تا ۱۵) ساله بر توسعه سیاسی شهرستان خلخال می پردازد، از لحاظ هدف کاربردی است و از نظر روش از نوع تحقیقات توصیفی می باشد که بصورت پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری براساس آخرین امار تعدادشان ۲۶۳۶ نفر برآورده شده است. با توجه به ویژگی های جامعه آماری و زیاد بودن جمعیت برای انجام تحقیق و جمع آوری اطلاعات بطور متوسط ۲۵۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردید. عدد فوق با استفاده از فرمول کوکران بدست آمده است. این تحقیق به روش نمونه گیری خوشه ای طبقه ای با حجم نامتناسب صورت گرفته است. در این تحقیق از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است و برای پاسخگویی به سوالات از طیف پنجگانه لیکرت استفاده شده است. روایی این پرسشنامه این تحقیق از طریق اعتبار صوری انجام شده است. بدین ترتیب که پرسشنامه را در اختیار استادان روش تحقیق و همچنین جامعه شناسان قرار داده ایم و پس از تأیید آنها شروع به جمع آوری اطلاعات کرده ایم. **قابلیت اعتماد (پایایی):** برای بدست آوردن قابلیت اعتماد از آزمون الفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول ۱: آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته

| متغیر | آلفا |
|----------------------------|------|
| اعتماد به رسانه های جمعی | ٪۸۸ |
| اعتماد به افراد مذهبی | ٪۷۷ |
| اعتماد به سیاسیون | ٪۸۳ |
| اعتماد سیاسی | ٪۷۵ |
| توسعه سیاسی (متغیر وابسته) | ٪۹۱ |

با توجه به اینکه ضریب الفای شاخص متغیر وابسته ۹۱٪ و متغیر مستقل ۷۵٪/۸۰ بدست آمد لذا گویه های طراحی شده دارای قابلیت اعتماد پایایی لازم است.

یافته های پژوهش

۳۳ درصد جمعیت در این تحقیق رادختران و ۶۷ درصد را پسران تشکیل می دهند که ترکیب سنی این افراد نیز ۲ درصد در سن ۱۵ سالگی که کمترین سن تشکیل دهنده جمعیت و ۹/۹ درصد در سن ۲۹ سالگی که بالاترین سن جمعیتی را تشکیل می دهند قرار دارند. ۱۱/۷ درصد در سن ۲۰ سالگی قرار دارند که بیشترین حجم نمونه را به خود اختصاص داده اند. بنابراین درصد بالایی از جمعیت تحقیق را افراد ۲۰ ساله تشکیل می دهند که این موضوع همگنی جامعه را از نظر سنی بیان می کند که خود منجر به همگن بودن در برخی از متغیرهای دیگر می شود. مثل وضعیت تاهل که مجردین ۷۰/۹ درصد از جمعیت را شامل می شوند و تنها ۲۹/۱ درصد از افراد مورد تحقیق متاهل هستند. و ۵۱ درصد آنها در مقطع تحصیلی کاردانی مشغول به تحصیل هستند. مقطع تحصیلی پدران پاسخگویان بیشتر ابتدایی (۳۶ درصد و بیسواد ۱۵ درصد) هست. همگنی جامعه مورد تحقیق از نظر سنی و مقاطع تحصیلی باعث شد تا برای نتیجه گیری از متغیر تحصیلات، از میزان تحصیلات پدر و مادر این افراد استفاده کنیم و همین کار را برای وضعیت شغلی و درآمد نیز انجام دادیم تا شرایط افراد را از این طریق بازگو کنیم.

۵۳ درصد از پاسخگویان به افراد مذهبی اعتماد بیشتری دارند ۴۴ درصد از پاسخگویان به رسانه های جمعی اعتماد متوسط به پایینی دارند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۳۳ درصد پاسخگویان به افراد سیاسی اعتماد کمتری دارند که بیشترین میزان حجم نمونه است ۴۷ درصد پاسخگویان اعتماد سیاسی متوسطی دارند که بیشترین میزان حجم نمونه است. در این تحقیق برای بدست آوردن ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته از آزمونهای ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

فرضیه اول: بین اعتماد به رسانه های جمعی جوانان با توسعه سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۲: آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر اعتماد به رسانه های جمعی و توسعه سیاسی

| متغیر مستقل | متغیر وابسته | ضریب همبستگی | سطح معنی داری |
|--------------------------|--------------|--------------|---------------|
| اعتماد به رسانه های جمعی | توسعه سیاسی | ۰/۱۰۸ | ۰/۰۳ |

باتوجه به جدول فوق مشاهده میشود سطح معنی داری از ۰/۰۳ می باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ میتوان گفت رابطه معنی داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. باتوجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۱۰۸ بین دو متغیر رابطه معنی داری برقرار است، یعنی با افزایش اعتماد به رسانه های جمعی توسعه سیاسی نیز افزایش میابد. فرضیه دوم: بین اعتماد به افراد مذهبی جوانان و توسعه سیاسی رابطه وجود دارد.

جدول ۳: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اعتماد به افراد مذهبی و توسعه سیاسی

| متغیر مستقل | متغیر وابسته | ضریب همبستگی | سطح معنی داری |
|-----------------------|--------------|--------------|---------------|
| اعتماد به افراد مذهبی | توسعه سیاسی | ۰/۱۸۵ | ۰۰۰/۰ |

باتوجه به جدول فوق مشاهده میشود سطح معنی داری از ۰/۰۰ می باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ میتوان گفت رابطه معنی داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. باتوجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۱۸۵ بین دو متغیر رابطه معنی داری برقرار است. یعنی با افزایش اعتماد به افراد مذهبی توسعه سیاسی نیز افزایش میابد. فرضیه سوم: بین اعتماد سیاسی جوانان و توسعه سیاسی رابطه وجود دارد.

جدول ۴: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اعتماد سیاسی جوانان و توسعه سیاسی

| متغیر مستقل | متغیر وابسته | ضریب همبستگی | سطح معنی داری |
|---------------------|--------------|--------------|---------------|
| اعتماد سیاسی جوانان | توسعه سیاسی | ۰/۲۳۳ | ۰/۰۰۰ |

باتوجه به جدول فوق مشاهده میشود سطح معنی داری از ۰/۰۰ کمتر از ۰/۰۵ می باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ میتوان گفت رابطه معنی داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. باتوجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۲۳۳ بین دو متغیر رابطه معنی داری برقرار است. یعنی با افزایش اعتماد سیاسی جوانان توسعه سیاسی نیز افزایش میابد. فرضیه چهارم: بین اعتماد به سیاسیون جوانان و مشارکت سیاسی جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۵: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد به سیاسیون و توسعه سیاسی

| متغیر مستقل | متغیر وابسته | ضریب همبستگی | سطح معنی داری |
|--------------------------|--------------|--------------|---------------|
| اعتماد به سیاسیون جوانان | توسعه سیاسی | ۰/۳۴۱ | ۰/۰۰۰ |

باتوجه به جدول فوق مشاهده میشود سطح معنی داری از ۰/۰۰ کمتر از ۰/۰۵ می باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ میتوان گفت رابطه معنی داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. باتوجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۳۴۱ میتوان گفت رابطه معنی داری برقرار است یعنی با افزایش اعتماد به سیاسیون جوانان توسعه سیاسی نیز افزایش میابد.

جدول ۶: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی

| متغیر مستقل | متغیر وابسته | ضریب همبستگی | سطح معنی داری |
|--------------|--------------|--------------|---------------|
| مشارکت سیاسی | توسعه سیاسی | ۰/۴۴۲ | ۰/۰۰۰ |

باتوجه به جدول فوق مشاهده میشود سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۵٪ میباشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ میتوان گفت رابطه معنی داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. باتوجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی میتوان ۰/۴۴۲ بین دو متغیر رابطه معنی داری برقرار است یعنی با افزایش مشارکت سیاسی جوانان توسعه سیاسی نیز افزایش میابد.

نتیجه گیری

در رابطه بین اعتماد به رسانه های جمعی و توسعه سیاسی، بیانگر رابطه بین اعتماد به رسانه های جمعی و توسعه سیاسی می باشد. نتایج نشان می دهد که سطح معنی داری آزمون ۰/۰۳۶ درصد کمتر از ۰/۰۵ درصد می باشد. بین نتیجه با نتایج حاصل از مطالعات لرنر مطابقت دارد. به گونه ای که وی معتقد است که مهمترین عناصر و متغیرهای نوسازی کنند عبارت است از: رسانه های گروهی، تعلیم و تربیت و شهر نشینی. نفوذ و گسترش این عناصر به درون جامعه سنتی در گرونی در نگرش باورهای مردم را در پی دارد. (ازکیا، ۱۳۸۰).

در رابطه بین اعتماد به افراد مذهبی و توسعه سیاسی، بیانگر رابطه بین اعتماد به افراد مذهبی جوانان و توسعه سیاسی میباشد. باتوجه به نتایج تحقیق مشاهده شد رابطه معنی داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. نتیجه این فرضیه موثذ نظریه لیپست می باشد. به نظر وی موقعیت سیاسی - مذهبی فرد تاثیر متقابلی بر یکدیگر دارند. و متغیرهایی چون ایدئولوژی سیاسی فرد ارتباط تنگاتنگی با میزان مذهبی بودن دارد. (فاطمی، ۱۳۸۸)

در رابطه بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی، بررسی میزان اعتماد سیاسی جوانان و توسعه سیاسی می باشد. نتایج این فرضیه نشان داد رابطه معنی داری بین این دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. این نتیجه با نتایج حاصل از مطالعات پری مطابقت دارد. او در نظریه تکاملی استدلال میکند که نظریه شهروندارمانی یک شهروند مشارکت کننده است و بنابراین مشارکت اعمال مسولیت اجتماعی در نظر گرفته می شود. (راش، ۱۳۷۷)

در رابطه بین اعتماد به سیاسیون و توسعه سیاسی، بیانگر رابطه بین اعتماد به سیاسیون جوانان و توسعه سیاسی می باشد. نتایج این فرضیه نشان داد رابطه معنی داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. این نتیجه با نتایج حاصل از مطالعات لوین مطابقت دارد. مدل لوین برگرفته از تیپولوژی شوارتر از ایجاد بیگانگی سیاسی است. (فاطمی، ۱۳۸۸)

در رابطه مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی، بیانگر رابطه معنی دار بین مشارکت سیاسی جوانان و توسعه سیاسی. نتایج این فرضیه نشان داد که سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۵٪ می باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت رابطه معنی داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد.

مشارکت سیاسی یکی از مباحث مهم در جامعه شناسی سیاسی است و یکی از شاخه های توسعه سیاسی در کشورهای توسعه یافته به شمار می رود. مشارکت سیاسی هر عمل ارادی (داوطلبانه) موفق یا ناموفق. سازمان یافته یا غیر سازمان یافته. گاه گاهی یا مستمر، شامل به کارگیری مشروع و یا نامشروع که هدفش تاثیر بر انتخاب سیاست ها و خط مشی های کلی کشور و انتخاب رهبران سیاسی در هر حکومت خواه محلی یا ملی است. امروزه مبحث توسعه و روند حرکت به سمت ارتقای کمی و کیفی شاخصه های پیشرفت و توسعه از جمله عوامل بسیار مهمی است که تمام تلاش تصمیم گیرندگان و سرمداران کشورها بخصوص جهان سوم را به خود مشغول داشته است. در این تحقیق نیز با مشاهده نتایج فرضیه ها میتوان چنین گفت که مشارکت سیاسی جوانان می تواند نتایج تاثیر گذاری بر توسعه سیاسی داشته باشد. همچنانکه بشیریه معتقد است: تقابل فرهنگ سنتی با فرهنگ جدید و انطباق با آن به سه شیوه انجام

گرفت اول تجدید نوسازی اندیشه سنتی جهت هماهنگ کردن آن با تحولات جدید. دوم عرضه اندیشه ها و توجیهات مذهبی جدید و سعی در غلبه بر اندیشه سنتی که کار اصلی روشنفکران مدرن ایران از اواخر قرن نوزدهم است. و روش سوم تلاش برای تلفیق اندیشه نو و قدیم به سبکی که توجیهات فکری تحولات جدید را فراهم سازد. باید گفت احزاب سیاسی، مجلس و انتخابات به عنوان شاخص هایی برای مشارکت سیاسی است که در آخر به توسعه سیاسی می انجامد.

منابع

۱. استونر،راب(۱۳۷۹)،«متفکران بزرگ جامعه شناختی» ترجمه مهرداد میرداماد، تهران: نشر مرکز
۲. اکبری،کمال(۱۳۸۵)،«رابطه مشروعیت و مشارکت سیاسی»،قم،نشر معارف
۳. اذرگون،زهرة(۱۳۸۷)،«بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با مشارکت سیاسی شهرداری» سال چهارم،شماره هجدهم،صص ۱۴۹-۱۶۹
۴. توسلی،غلامعباس(۱۳۷۸)،«نظریه های جامعه شناسی»،تهران،انتشارات قومس
۵. ریتز،جرج(۱۳۸۶)،«جامعه شناسی در دوران معاصر»ترجمه محسن ثلاثی، تهران:انتشارات علمی.
۶. بخشی،علی(۱۳۸۷)،«فرهنگ علوم سیاسی،تهران:نشر چاپار
۷. رفیع پور،فرامرز(۱۳۸۵)،«تکنیک های خاص تحقیق در علوم اجتماعی»تهران،انتشارات چاپ چهاردهم.
۸. ساروخانی،باقر(۱۳۸۵)،«دایرة المعارف علوم اجتماعی، تهران انتشارات کیهان.
۹. مصفا،نسرین(۱۳۷۵)،«مشارکت سیاسی زنان در ایران»تهران،وزارت امور خارجه
۱۰. ملکی،امیر(۱۳۸۵)،«بررسی آمادگی ذهنی دانشجویان مراکز دانشگاه پیام نور استان همدان برای مشارکت سیاسی»پیک نور،سال ششم،شماره سوم.
۱۱. مهدی خانی،علیرضا(۱۳۸۰)،«مروری اجمالی بر توسعه سیاسی-اقتصادی،تهران:انتشارات آرون
۱۲. وثوقی، منصور و علی اکبر نیک خلق(۱۳۸۰). مبانی جامعه شناسی، تهران: بهینه.
۱۳. بشیریه،حسین(۱۳۸۳)،جامعه شناسی سیاسی، تهران:نشرنی
۱۴. بشیریه،حسین(۱۳۸۸)،«موانع توسعه سیاسی در ایران،تهران:گام نو
۱۵. بشیریه،حسین(۱۳۸۶)،«عقل در سیاست، تهران:نشرنگاه معاصر
۱۶. بشیریه حسین(۱۳۸۷)،«گذار به دموکراسی، تهران:نشر نگاه معاصر
۱۷. اوئیل،پاتریک(۱۳۸۶)،«مبانی سیاست تطبیقی»،ترجمه سعید میرترابی،تهران:نشر قومس
۱۸. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت های مدنی، محمدتقی دلفروز، تهران: غدیر.
۱۹. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵) پایان نظم، غلامعباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
۲۰. فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۸۴) بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن در شهر تهران، رساله دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۲۱. کلاتری، خلیل (۱۳۸۵) پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی اقتصادی، تهران: شریف.